

شاخصه‌های انقلاب اسلامی: تحلیل و ارزیابی

● دکتر محمد رحیم عیوضی

«علی‌رغم گذشت بیش از یکصد و پنجاه سال از برنامه‌ریزی مدرن و همه‌جانبه علیه اسلام امروز در سراسر دنیا یک حرکت عظیم اسلامی به‌وجود آمده است که به موجب آن اسلام در آفریقا، آسیا و حتی قلب اروپا حیات جدیدی را باز یافته و مسلمانان به شخصیت و هویت واقعی خود پی برده‌اند.»

«از سخنان مقام معظم رهبری»

مقدمه

پیروزی انقلاب اسلامی ایران در بهمن ۵۷ ریشه در مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و مبارزات تاریخی، در دراز مدت دارد که در دوران معاصر از مبارزات ضد استبدادی و ضد استعماری تنباکو و انقلاب مشروطیت شروع شده و با مبارزات ملی شدن صنعت نفت و قیام ۱۵ خرداد و فعالیت‌های علنی و مخفی گروه‌ها و احزاب و دسته‌های مختلف مذهبی، ملی در دهه‌های ۵۰-۱۳۴۰ به اوج خود رسیده و در انتها به پیروزی انقلاب اسلامی ختم گردیده است. قید اسلامی بودن انقلاب ایران، که از مدت‌ها قبل پیروزی آن بارها مورد تأکید رهبر انقلاب قرار گرفته بود به آن ویژگی خاصی بخشیده است.

انقلاب ایران یک انقلاب منحصر به فرد است و از هیچ انقلاب یا حرکتی الگو نگرفته و در نوع خودش نیز بی‌سابقه است، هم در روش؛ که یک روش جدیدی است و هم در عمل؛ که از دو عنصر ایمان و اراده استفاده نموده است.

پس انقلاب ما از دو نظر حایز اهمیت است: ۱- هویت و ماهیت ۲- میزان موفقیت، که این انقلاب انقلاب تأثیر عمیقی به لحاظ بین‌المللی از خود بر جای گذاشت. در بسیاری از

کشورها و ملت‌ها این امید حاصل شد که می‌توان کارهای مهمی انجام داد و همچنین می‌توان به شکل الگویی شد، برای سایر کشورها که می‌توانند بر علیه حاکمان و غاصبان ظالم قیام کنند، عمل کرد.

انقلاب اسلامی، به عنوان یک انقلاب ایدئولوژیک و با جهان بینی خاص خود که از مکتب اسلام سرچشمه گرفته بود، نه تنها در بعد ملی احیاگر طرح‌ها، برنامه‌ها و نظریات خاص خود برای حکومت و دولتمداری بوده است، بلکه در بعد جهانی نیز با توجه به جهان شمولی مکتب اسلام دارای افکار و نظریات خاص خود بوده و ارایه دهنده نظام جهانی ویژه خود می‌باشد.

انقلاب اسلامی و رهبری آن علاوه بر اینکه نظریات حاکم بر روابط بین‌المللی و نظام‌های جهانی موجود را، که نشأت گرفته از اندیشه‌های ما کیاول، هابز... بوده و اینکه، تحصیل حق با استفاده از زور را صحیح می‌دانند مردود دانسته، همچنین بر این اعتقاد و نظریه حرکت می‌کند که سلامت و صلح جهان، بسته به انقراض مستکبرین است و تا این سلطه طلبان بی‌فرهنگ در زمین هستند، مستضعفین به ارث خود که خدای تعالی به آنها عنایت فرموده نمی‌رسند «حکومت پا برهنگان، حق است» پس انقلاب اسلامی ایران علاوه بر دستاوردهای ارزشمندی که برای مردم ایران به ارمغان آورده، بازتاب‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای نیز در برداشته و تأثیرات ارزشمندی بر برخی دولت‌ها، جنبش‌ها و مردم دیگر کشورها گذاشته است. تا آنجا که بسیاری از محرومان و ستم‌دیدگان جهان؛ اعم از مذهبی و غیر مذهبی از ره آوردهای آن بهره گرفته و در مسیر ظلم ستیزی به حرکت‌های خود جلوه‌های تازه بخشیده‌اند، که این مسئله، مورد تأکید بسیاری از صاحب‌نظران علم سیاست بوده است.

بنابراین چنین مسئله‌ای در بسیاری از مقالات و کتب مربوط به بنیادگرایی اسلامی مورد تأیید و تأکید قرار گرفته است. در این مقاله‌ها و کتب، به تأثیر گذاری انقلاب اسلامی بر این جنبش‌ها و یا نفوذ انقلاب در میان آنها و مسلمانان کشورهای غیر مسلمان اشاره شده است.

با توجه به این مطالب، مقاله حاضر بر آن است، تا پس از بیان تعریفی از انقلاب اسلامی ب، آن را به کشورهای خارجی بازگو کرده و در انتها، به برخی از این آثار اشاره نماید. امید است که این مطالب، مفید فایده واقع شود.

کلیات و تعاریف

۱- تعریف انقلاب به معنای عام

«انقلاب در مجموع وسیع آن، یک حرکت مردمی در جهت تغییر سریع و بنیانی در ارزش‌ها و باورهای مسلط، نهادهای سیاسی، ساختار اجتماعی، رهبری روش‌ها و فعالیت‌های حکومتی یک جامعه، توأم با خشونت داخلی می‌باشد»^۱

«از دیدگاه جامعه‌شناسی، انقلاب به معنای یک تغییر اساسی، ریشه‌ای و بنیانی و نیز عمق در جامعه و در ساختارهای اجتماعی، به‌ویژه هنگامی که ناگهانی و اغلب با خشونت همراه باشد، بیان شده است. در این دیدگاه انقلاب دارای ۳ عنصر اساسی است: الف) عملی ارادی در آن دخیل است.

ب) عامل تقدس و تعالی در آن نهفته است. لذا هر گونه دگرگونی که جنبه سقوط و یا نقصی در آن باشد، انقلاب نامیده نمی‌شود.

ج) وجود عنصر نفی و انکار^۲

«شهید مطهری، انقلاب را عبارت از طغیان و عصیان مردم یک ناحیه و یا یک سرزمین، علیه نظام حاکم موجود برای ایجاد نظامی مطلوب می‌داند»^۳

۲- شاخصه‌های انقلاب اسلامی ایران

در کاربرد اصلاحی، استفاده‌های گوناگون از واژه انقلاب شده که وجه مشترک همه آنها «دگرگونی بنیادین» است. در مقایسه با انقلاب‌های بزرگ جهان، انقلاب اسلامی به جهت ماهیت مذهبی - اسلامی - مردمی و همچنین رهبری از وجه تمایز خاصی برخوردار است که این وجوه، عبارت است از:

۱- محوریت «اصل رهبری»، نخستین ویژگی انقلاب ایران است. «بدیهی است که حرکت‌های اجتماعی بدون وجود رهبر یا رهبرانی مناسب، نمی‌تواند به انقلاب منجر شود و اصولاً گروه‌های اجتماعی، در مرحله‌ای از شکل‌گیری نهضت، باتعیین رهبر یا رهبرانی، سعی می‌کنند به حرکت خود انسجام لازم ببخشند»^۴

رهبری در انقلاب اسلامی ایران به جهت فردی و واحد بودن آن و نیز مشروعیت خاص ناشی از اصل مرجعیت؛ که موجب مقبولیت وی در میان اقدار و اقشار وسیع و گروه‌های اجتماعی می‌شود، از سایر انقلاب‌ها متمایز می‌گردد.

۲- ماهیت اسلامی و مکتبی، از دیگر مشخصات انقلاب ایران می‌باشد، «بدیهی است توجه به این امر نقش مؤثری در انجام موفقیت آمیز بسیج سیاسی و جلب حمایت توده‌ها در نتیجه موفقیت بر سایر گروه‌ها دارد.»^۵

۳- عامل مردمی، حضور فعال اقشار مردم و گروه‌های اجتماعی، یکی از عوامل مهم و ضروری در به ثمر رسیدن انقلاب است، چنانچه امام خمینی (ره) رکن دوم پیروزی انقلاب را وحدت کلمه و حضور مردم در صحنه برای تحقق حکومت اسلامی می‌داند.^۶ با توجه به این مختصر، بدیهی است که موفقیت هر یک از گروه‌های رقیب در منازعه قدرت، به میزان عنایت آن در نظر و عمل به ارکان سه گانه فوق بستگی دارد و این امر، به نوبه خود بیانگر میزان درک آنها از ماهیت واقعی انقلاب می‌باشد.

۳- ریشه‌های انقلاب اسلامی ایران از دیدگاه امام

امام خمینی، با درایت سازش‌پذیری حرکت مردم را تا سرنگونی رژیم و پیروزی انقلاب هدایت کردند و از آنجا که، خود رهبری را عهده دار بودند دلایل قیام را این‌گونه توصیف می‌کنند. «اساس این نهضت از دو جا سرچشمه گرفته است: یکی از شدت فشارها و چپاولگری‌های خارجی و داخلی و نیز اختناق‌های فوق‌العاده، که به خاطر آن، ظرف ۵۰ سال ملت ایران یک روز خوش نداشت و دیگر؛ آرزوی ما برای یک حکومت اسلامی و عدل؛ که رژیمی در مقابل رژیم‌های طاغوتی باشد و توسط آن بتوان مسایل اسلامی را مانند صدر اسلام در ایران پیاده کرد.»^۷

امام (ره) در جایی دیگر، یکی از علل مردم مسلمان را علیه شاه، حمایت بی‌دریغ او از اسرائیل غاصب می‌داند و در این خصوص می‌فرماید: «شاه، ایران را بازار مصرف کالاهای اسرائیل کرده است و با حمایت‌های معنوی دیگر و برای فریب افکار خارجی، صرفاً به محکوم کردن اسرائیل می‌پردازد.»^۸

یکی دیگر از علل قیام از نظر امام؛ فرهنگ مبتذلی بود که بر جامعه آن روز حکومت داشت، چنانکه ایشان در این باره می‌فرماید: «فرهنگ، اساس استقلال یک کشور است. لذا آنها کوشیده‌اند فرهنگ ما را استعماری کنند و ما را از آنچه که بودیم تهی کردند.»^۹

۴- چگونگی فرایند تأثیر گذاری انقلاب اسلامی

۱- سقوط ناگهانی و اعجاز آمیز شاه که به عنوان سمبل قدرت در منطقه مطرح بود، برای کشورهای محروم و تحت ستم، بسیار تأثیر گذار و پر اهمیت بود. نگرانی و دستپاچگی کشورهای غربی در برخورد با انقلاب و سر در گمی آنها، ملت‌های مسلمان را به خودشان امیدوار کرد. وجود یک رهبر مذهبی در رأس رهبری انقلاب، معادلات و فرمول‌های انقلاب را در نظریات غربی به هم ریخت. همین مسئله باعث دلگرمی انقلابیون، در کشورهای جهان سوم و رهبر اسلامی شد و رهبر اسلامی نیز نخست مورد توجه رهبران جنبش‌های آزادیبخش قرار گرفت.

۲- رویه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دفاع از حقوق پایمال شده مردم فلسطین و جنوب لبنان و دشمنی با رژیم صهیونیستی، اثرات انکار ناپذیری بر نهضت‌های مردمی گذاشت. نام امام خمینی (ره) در میان ملت‌های مسلمان به عنوان احیاگر عزت پایمال شده مردم در مقابل جهان غرب ماندگار شد.

صدور انقلاب اسلامی

۱- صدور انقلاب اسلامی از دیدگاه امام

اگر چه در روزهای اولیه انقلاب اسلامی، بسیاری از صاحب‌نظران سیاسی غرب پیش بینی کرده بودند که ماهیت «اسلامی» انقلاب ایران، پدیده‌ای گذرا و انتقالی خواهد بود و این انقلاب نیز چون انقلاب‌های دیگر، در مواجهه با دنیای دو قطبی خارج و استوانه‌های قدرت بین‌المللی، هویت ابتدایی خود را از دست داده و یکی از قدرت‌های بزرگ وابسته خواهد شد، اما از آنجا که هیچ حادثه‌ای در جهان امروز - در هر نقطه‌ای که اتفاق می‌افتد - بدون تأثیر در نقاط دیگر نیست، انقلاب اسلامی ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست و به لحاظ ماهیت اسلامی خود که یک دین جهانی است، بی‌تأثیر نبوده و قطعاً در ابعاد مختلف در دیگر نقاط جهان تأثیر گذاشته است.

امام (ره) در یکی از بیانات خود در خصوص تأثیر جهانی انقلاب اسلامی می‌فرماید: «مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست. انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام، به پرچمداری حضرت حجت (عج) است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار

امام درباره تأثیر انقلاب در بعد سیاسی تصریح می‌کنند که «ما این واقعیت و حقیقت را در سیاست خارجی و بین‌المللی اسلامی بارها اعلام کرده‌ایم که در صدد گسترش نفوذ اسلام در جهان و کم کردن سلطه جهانخواران بوده و هستیم، حال اگر نوکران آمریکا نام این سیاست را توسعه‌طلبی و تفکر تشکیل امپراطوری بزرگی می‌گذارند، از آن باکی نداریم و استقبال نیز می‌کنیم. ما در صدد خشکانیدن ریشه‌های صهیونیسم، کمونیسم و سرمایه داری در جهان هستیم و نظام اسلام را در جهان ترویج می‌نماییم و دیر یا زود، ملت‌های دربند، شاهد آن خواهند بود.»^{۱۱}

۲- صدور انقلاب از دیدگاه رهبر انقلاب

رهبر انقلاب نیز در پیامی به سومین دوره مجلس خبرگان رهبری فرمودند: «آنچه به برکت هدایت الهی و بیداری و عزم مردمی اتفاق افتاد؛ دشمنان اسلام و در رأس همه، دستگاه سیاسی و تبلیغاتی استکبار و به خصوص آمریکا را با واقعیتی که به کام آنان تلخ است، مواجه ساخت. انقلاب ایران شوک عمده‌ای برای سیاست آمریکا بود. پس از استقرار این انقلاب، کلیه تعاملات ایران و آمریکا را دگرگون ساخت و به واسطه بر هم خوردن تعادل روابط بین دو کشور، روند حیات سیاسی اقتصادی و اجتماعی کشور دستخوش نامالیقات بسیار گشت.

بعد از انقلاب، اسلام از حالت مهجوریت به درآمده و به عنوان مذهبی پویا و فعال، جایگاه خود را پیدا کرد. و به این ترتیب تأثیر مثبت خود را در کشورهای اسلامی به جای گذاشت. از این رو اسلام سیاسی، به عنوان بزرگترین خطر برای آمریکا و غرب مطرح گشت.»^{۱۲}

۳- صدور انقلاب و واکنش غرب

در واقع انقلاب اسلامی، حمله به استراتژی غرب بود، حمله‌ای که به تعبیر سون تزو - استراتژیست نامدار - «جنگ از پیروزی یک صدگردان مهمتر است، او معتقد است آنچه در جنگ اهمیت دارد، حمله به استراتژی دشمن است.»^{۱۳}

«غرب با اذغان به توانایی‌های بالقوه انقلاب اسلامی و با در نظر گرفتن این امکان که

تمدن اسلامی در آینده به عنوان تمدن غالب، جایگزین او خواهد شد، از تمام توانایی ۱۰۷
هایش برای مبارزه با روند رو به رشد انقلاب اسلامی و اسلام‌گرایی به مثابه خطری
برای موجودیت خود، بهره می‌جوید.

خطری که در زبان تحلیل‌گری و دولتمردان غربی، با عنوان «بنیادگرایی اسلامی» از
آن یاد می‌شود و جرح بوش رئیس‌جمهور اسبق آمریکا در گزارش خود به کنگره در
سال ۱۹۹۲، آن را در صدر تهدیدات امنیت ملی آمریکا قرار می‌دهد.^{۱۴}

ابزارهای صدور انقلاب اسلامی ایران

اکنون که دریافتیم یکی از اهداف مهم انقلاب، صدور آن به دیگر کشورها و ملل بوده
است جای دارد تا زمینه ابزار صدور این انقلاب، مطالبی را نیز ارایه دهیم.

۱- با توجه به اینکه مهم‌ترین ابزار صدور انقلاب، ماهیت اسلامی بودن آن می‌باشد،
می‌بایست اسلام را همان‌گونه که هست به مردم معرفی کنیم، امام در این خصوص
فرمودند: «معنی صدور انقلاب این است، که اسلام را آن‌طور که هست به دنیا ارایه دهیم
که این خود از هزار توپ و تانک بهتر است و بیشتر می‌تواند مؤثر باشد و این کار و این
هنر از اسلام برمی‌آید و چنین هنری از احکام اسلام با توپ و تانک نخواهد بود.»^{۱۵}

۲- سفارتخانه‌ها و رایزنی‌های فرهنگی، یکی دیگر از ابزار صدور انقلاب هستند که
در این شیوه، از طریق روابط و ملاقات‌ها تبادل افکار می‌شود. امام در یکی از بیانات
خود در جمع سفرا و کارداران کشورهای آفریقایی می‌فرمایند: «ما هر چه فریاد بزنیم
که ما اسلامی هستیم از ما دیگر باور نمی‌کنند، وقتی می‌توانند باور کنند که مایی که
می‌گوییم جمهوری اسلامی هستیم، عملکردمان هم آن‌طور باشد.»^{۱۶}

۳- یکی دیگر از ابزار صدور انقلاب، وزارت امور خارجه است که: «باید مسایل ایران
و اسلام و گرفتاری‌هایی که ایران از شرق و غرب داشته است، را، به دنیا برساند و به
دنیا بگوید که ما می‌خواهیم این‌گونه عمل کنیم.»^{۱۷}

۴- حجاج بیت‌الله الحرام که در واقع پیام انقلاب را به همراه دارند، یکی دیگر از
ابزارهای صدور انقلابند. روز تاریخی برائت از مشرکین و شعارهایی که مسلمانان سر
می‌دهند، تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی را دارا است امام در این رابطه می‌فرمایند:
«موقعیت شما بسیار حساس و وظیفه شما سنگین است، ان شاء الله چنانچه انتظار

می‌رود با رفتار شایسته و اخلاق اسلامی و انقلابی خود، نظر همگان را جلب کرده و چهره انقلاب را آنگونه که هست به نمایش کشورهای جهان بگذارید و عملاً تبلیغات فاسد و مغرضانه بوق‌های تبلیغاتی را خنثی نمایید.»^{۱۸}

۵- جنگ تحمیلی گرچه آثار زیانبار فیزیکی و مادی بر جای گذاشت، اما حقانیت و مشروعیت نظام اسلامی و مقاومت مردم ایران را در اذهان مردم دنیا زنده کرد. به تعبیر امام «ما از طریق» جنگ انقلابمان را صادر کردیم و این چیزی بود که به ذهن متجاوزان نرسیده بود.»^{۱۹}

۶- مسئله ترجمه کتب و رسانه‌های خبری، یکی دیگر از ابزارهاست. هم اکنون در کشورهای اسلامی ترجمه کتاب‌های شخصیت‌های اسلامی همچون شهید مطهری و... رواج یافته و از این طریق مردم دیگر کشورها با انقلاب اسلامی و ماهیت آن بیشتر آشنا می‌شوند. به عنوان نمونه «به‌خاطر همسایگی ایران و افغانستان و زبان مشترک، سیل کتاب‌های انقلابی به افغانستان سرازیر شده و متقاضیان آثار اسلامی در میان جوانان افغانی، باعث شد تا کتاب‌های زیادی وارد آن کشور شود و در دسترس آنان قرار گیرد که این محصولات دینی و فرهنگی، می‌تواند تأثیری زیادی در تقویت جنبش اسلامی افغانستان داشته باشد.»^{۲۰}

رشد اسلام گرایی در مناطق مختلف اسلامی

همان‌طور که اشاره گردید، انقلاب اسلامی ایران علاوه بر اثر گذاری‌هایی داخلی، تأثیراتی نیز بر کشورهای خارجی داشته است. بعد از پیروزی انقلاب، یک روند فراگیر در سراسر جهان، اسلام را فرا گرفت و نه فقط مسلمانان، بلکه تما مستضعفان را به حرکت در آورد؛ چرا که مخاطبین امام، مستضعفان سراسر کره زمین بودند و انقلاب اسلامی الگوی عملی شد برای احیای جنبش‌های اسلامی در سرزمین‌هایی که پدیده اسلام گرایی رشد فزاینده‌ای یافت و غرب نیز به اندازه‌ای از قدرت اسلام گرایی در هراس بود که برژینسکی می‌گوید: «موج بنیادگرایی بیش از حد مغلوب کننده بود.»^{۲۱}

بدین ترتیب، مهم‌ترین تأثیر را می‌توان در بعد مذهب و احیای معنویت دانست. در حقیقت «انقلاب اسلامی در پایان به اصطلاح عصر ایدئولوژی‌ها، قدرتمندترین ایدئولوژی را به معرض نمایش گذاشت. این امر، حاکی از اوج وحشت تمدن؛ از

شکل‌گیری نیرویی به نام «اسلام سیاسی» در اروپاست»^{۲۲}

تمایلات اسلامی مرم مناطق مختلف (بوسنی - آفریقا - افغانستان و...) را باید اصلی‌ترین عامل کشمکش‌های داخلی، سرکوب قیام‌ها و نهایتاً قتل عام آنها دانست.

آفریقا از جمله مستعدترین نقاط خیزش اسلام‌گرایی است. به عبارت دیگر «در آفریقا اسلام‌گرایی با شتاب قابل توجهی به سمت کسب قدرت سیاسی می‌رود»^{۲۳}

در مصر، جامعه بیشتر به سوی اسلام‌گرایی پیدا می‌کند در حقیقت مسئله ارزش‌ها در جامعه مصر تغییر نموده است.

توسعه اسلام سیاسی در شبه قاره هند نیز، در کشورهای همچون کشمیر، بنگلادش و... اتفاق افتاد و اوضاع بسیار مساعدی را برای به دست گرفتن هر چه بیشتر قدرت، توسط موج اسلام‌گرایی را فراهم کرده است «نزدیکی پرشتاب آمریکا و رژیم صهیونیستی با هند، در جهت مقابله با این امر صورت گرفته است»^{۲۴}

شکست نیروهای صهیونیستی در سال ۱۹۸۲ در حمله به لبنان، تنها در پرتو قیام مسلحانه شیعیان لبنان عملی گردید و نگاهی به این مقوله، نشانگر این حقیقت است که «تنها نیروی تهاجمی علیه سیاست‌های توسعه طلبانه و ضد اسلامی رژیم صهیونیستی، نیرویی به نام اسلام‌گرایی است»^{۲۵}

«اگر روزی بیت‌المقدس از چنگال اشغالگران رهایی یابد، ایران اسلامی نقش به‌سزایی خواهد داشت، راه ایران برای آزادی‌سازی بیت‌المقدس راهی صحیح است»^{۲۶}

خانم ایوان، متخصص تاریخ مذهبی خاور میانه در زمینه رشد اسلام‌گرایی در آمریکا می‌گوید: در آمریکا دولت سعی می‌کند که مسلمانان اختیاراتی داشته باشند و دولت نیز به مسلمانان حقوقی می‌دهد که آنها اسلام را رواج دهند. قرآن در سراسر کشور توزیع می‌شود من نیز قرآن را به رایگان در اختیار دانشجویان قرار می‌دهم»^{۲۷}

نظریه‌پردازان غربی، آینده سیاسی غرب را مهم و ناپایدار توصیف می‌کنند. آنها معتقدند: «غرب در جنگ آینده که جنگ فرهنگی و ارزشی است، در برابر فرهنگ اصیل اسلامی حرفی برای گفتن ندارد. لذا سرکوب خونین اسلام‌گرایی و حذف آن از صحنه بین‌المللی را، از اولویت‌های اصلی خویش قلمداد می‌کند»^{۲۸}

اما نوتل معتقد است؛ که اسلام‌گرایی از نظر جامعه مدنی اهمیت کسب می‌کند و به عنوان تهدید نسبت به دولت مطرح می‌شود و برخی از دولت‌های کشورهای اسلامی آن

تأثیر انقلاب اسلامی بر کشورهای اسلامی

۱- تأثیر کشورهای حاشیه خلیج فارس و منطقه

با خیزش جنبشهای مردمی در کشورهای منطقه، همواره سعی می‌شد که این حرکت‌های مردمی ناشی از نفوذ مستقیم ایران و دست داشتن ایرانیان در وقایع این منطقه عنوان گردد. در همین رابطه «آمریکا نیز به وحشت کشورهای منطقه دامن زد و هر از چند گاهی با بزرگ کردن ایران، بر وحشت حکام منطقه از همسایه انقلابی خود افزوده است؛ بدون توجه به این نکته، که در عصر نوین ارتباطات، نمی‌توان مانع ورود اندیشه‌های آزادبخش از ورای مرزهای خود شد.»^{۳۰}

ترس و هراس حکام منطقه از اسلام‌گرایی مردم، بر حدی بود که یکی از حاکمین ممالک خلیج فارس به یکی از مشاورانش می‌گوید: «من ترجیح می‌دهم با ۱۰ کمونیست مقابله کنم، ولی با یک بنیان‌گرای مسلمان رو در رو نشوم.»^{۳۱}

در واقع پیروزی انقلاب به معنای برطرف شدن موانع حرکت و رسیدن به نقطه‌ای است، که رسالت انقلاب از آن جا آغاز شده است. یک از این موانع در دوران پهلوی، عدم وجود روابط صحیح بین ایران و کشورهای منطقه بود، که بعد از انقلاب این موانع برداشته شده و برقراری روابط صحیح در ابعاد گوناگون نیز میسر شده است.

«کشورهای منطقه، از جایگاه ویژه‌ای در سیاست خارجی ایران برخوردار هستند. نقش ایران به عنوان تأمین‌کننده با ثبات نفت در منطقه، با وجود ظرفیت‌های بالا و امکان همکاری‌های افزون‌تر با کشورها در زمینه‌های گوناگون نقشی حساس می‌باشد که به عنوان قدرت منطقه‌ای، در حفظ صلح خلیج فارس مهم است.»^{۳۲}

«از سوی دیگر، خروج جمهوری اسلامی ایران از سازمان پیمان مرکزی (سنتو) و نیز رها کردن نقش ژاندارمی خلیج فارس، بعد از پیروزی انقلاب، باعث افزایش وجهه جمهوری اسلامی ایران در میان کشورهای منطقه شده و سیاست خارجی ایران در برابر هند را نیز، نسبت به دوران قبل از انقلاب، از توازن قابل ملاحظه‌ای برخوردار نموده است.»^{۳۳}

۲- تأثیر انقلاب اسلامی بر افغانستان

به فاصله ۹ ماه پس از وقوع کودتای مارکسیستی در کابل، انقلاب اسلامی در ایران به پیروزی رسید و به سرعت، تأثیراتی در ابعاد مبارزاتی و سیاسی مسئله افغانستان بر جای گذارد. در کنار اثرات عمیق معنوی، بر روند جهاد مردم افغانستان، تاکتیک‌های مبارزاتی مردمی که در جریان مبارزات گسترده مردم مسلمان ایران بر علیه رژیم شاه به کار گرفته شده بود، بر شیوه مبارزاتی افغان‌ها نیز تأثیر به‌سزایی داشت.

قیام‌های مردمی در شهرهای هرات (۱۷ مارس ۱۹۷۹) و کابل در (ژوئن ۱۹۷۹) نمونه‌های اولیه و مهم، از شیوه‌های جهادی مردم مسلمان ایران بود که فضای مبارزه مردم مسلمان افغانستان را دچار تحولی بنیادی کرد. اشاره به یکی از اسناد موجود در سفارت آمریکا، گویای این حقیقت است: «شوسیا و سفیر جمهوری دمکراتیک آلمان، معتقد بود که نفوذ ایران در افغانستان برای حکومت کابل خطرناک‌تر از نفوذ پاکستان است. هنگامی که از وی می‌پرسند چرا؟ در پاسخ می‌گوید: به دلیل نفوذ مذهبی ایران بر جمعیت شیعه و اینکه عنصر مذهب در ایالات هم مرز با ایران و ایالاتی که قسمت اعظم منطقه کوهستانی مرکز را تشکیل می‌دهند، مسلط می‌باشد.»^{۳۴} «پیرو یادداشت تفاهمی صلح ژنو و خروج نیروهای روسی از افغانستان و بعد از فروپاشی شوروی و نظام دو قطبی، دیدگاه جمهوری اسلامی در جریان جنگ‌های داخلی این کشور همچنان حفظ گردید و با هرگونه تجزیه افغانستان مخالفت نمود.»^{۳۵}

یکی از مسؤولان جهاد افغانستان در آن هنگام می‌گوید: «در سایه فلسفه اسلامی امام خمینی، ایران از شرق و غرب حمایت نمی‌کند و تنها خواهان تشکیل دولت اسلامی در افغانستان است... از نظر امام، آمریکا و شوروی هر دو دشمنان بزرگ اسلام هستند و سعی دارند افغانستان را زیر نفوذ خود ببرند. از اینجا بود که تقسیم افغانستان به ۳ کشور مستقل پیشنهاد شد. یعنی ۱ پیشنهاد؛ کشور افغانستان بود و دیگری افغانستانی که توسط شوروی حمایت شود، و سوم افغانستانی که در دست پاکستان باشد که این یکی هم توسط آمریکا حمایت شود و سرانجام، افغانستانی که تحت کنترل ایران باشد. رهبران ایران، هیچگاه از این پیشنهاد حمایت نمی‌کنند، حال آنکه با این دو ابرقدرت با آن موافقت ولی به خاطر نفوذ ایران در افغانستان، در اجرای این پیشنهاد تردید دارند.»^{۳۶}

«متأسفانه کمک به اجرای سیاست‌های آمریکایی در مورد افغانستان به جای برقراری صلح، به موجودیت طالبان کمک کرده و تسلیحات بیشتری به دامن طالبان ریخته می‌شود و طالبان نیز به عنوان یک عامل مضاعف، در تشدید عدم ثبات افغانستان تبدیل گردید. مخالفت جمهوری اسلامی ایران با سیاست‌های آمریکایی، ناشی از شناخت همین واقعیت‌ها است. هدف طالبان پیوستن به حکمتیار بود، ولی حکمتیار نپذیرفت. هدف نهایی آمریکا از این روند؛ محاصره ایران است. ظاهراً پاکستان نیز در برقراری یک رژیم ضد ایرانی در افغانستان موافق است، تا در این امر با آمریکا همکاری کرده باشد.»^{۳۷}

«در حقیقت افغانستان بر خلاف ایران، از متفکران سیاسی اسلامی پیشرفته‌ای برخوردار نبود در افغانستان تفرقه وجود داشت و [افغانها] بر خلاف نهضت ایران از وجود رهبر پر جذبه‌ای همچون امام خمینی بی‌بهره بودند، با این حال در هر کشور، گروه‌های اسلامی با رژیم‌های ستمگر و بی‌عدالتی روبرو بودند که با شیوه زندگی اسلامی و در واقع با خود اسلام خصومت داشتند.»^{۳۸}

«از مدت‌ها پیش بسیاری از شیعیان افغانستان مرجعیت شرعی و مذهبی رهبران مذهبی ایران را از جمله امام خمینی پذیرا شده بودند. بعد از انقلاب، پشتیبانی از امام خمینی به شدت افزایش یافت.»^{۳۹}

همچنین ایران با پذیرش حدود ۲ میلیون افغانی (آواره) در خاک خود، حمایت خود را از مبارزات افغان‌ها علیه اشغالگران کمونیست اعلام کرد و به گروه‌های مخالف افغانی اجازه ایجاد دفاتری در ایران و در عین حال حمایت خود را از مجاهدان افغانی اعلام داشت.

۳- تأثیر انقلاب بر فلسطین اشغالی

ایران که پیش از انقلاب اسلام، یکی از کشورهای حافظ منافع رژیم اسرائیل بود پس از «پیروزی انقلاب، کانون مبارزه با اسرائیل گردید و این کشور قلب تپنده مقاومت اسلامی علیه اسرائیل شد و پرچم مبارزه‌ای که سران خائن کشورهای عربی، ناجوانمردانه به زمین گذارده بودند، امام، با ابهت و شهامت تمام به دست گرفتند و به مبارزات ملت فلسطین هویت اسلامی بخشیدند.»^{۴۰}

۱۱۳ بدین ترتیب، سفارت اسرائیل تعطیل و سفارت فلسطین تشکیل شد و امام (ره) جهت انسجام بخشیدن حرکت‌های اسلامی طرفدار انقلاب فلسطین، آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را روز قدس نامیدند.

راشد الغنوشی، در خصوص حمایت از رهبری حکیمانه امام در هدایت انقلاب فلسطین چنین می‌گویند: «جای شگفتی نیست که امام به عنوان یک تجدید خواه بزرگ که خداوند برای امت فرستاده است؛ همچون شیخ حسن البنا مولانا مودودی به این مسئله بپردازد.»^{۴۱}

البته اگر چه حماسه مردم فلسطین یک پدیده تصادفی نبود و سالهاست که مردم فلسطین، با تکیه به نیروی الهی و با دست خالی در برابر حملات وحشیانه صهیونیست‌ها مقاومت می‌کنند و این چیزی جز آوای الله اکبر نمی‌تواند باشد، که غاصبین را به نومیدی کشانده است، اما واقعیت این است که پس از انقلاب، حرکت نوینی در مبارزات مردم فلسطین آغاز شد و جوانان بی‌شماری به اسلام گرویدند و تعداد مساجد در کرانه باختری و نوار اشغالی غزه افزایش یافت.^{۴۲} و حزب الله فلسطین که از فرزندان انقلاب اسلامی هستند در زندان‌های غزه به عنوان یک گروه مبارز، اعلام موجودیت کردند.

امام خمینی (ره) نیز همواره در ماسبت‌های مختلف، حمایت خود را از این حرکت‌های مردمی اعلام کرده و آن را نمونه‌ای از پیشرفت انقلاب نامیده‌اند. ایشان در بخشی از فرمایشات خود به مناسبت سالگرد کشتار مکه فرموده‌اند: «و این تحقق، همان شعار بیزاری است که ملت فلسطین در تظاهرات حج، دوشادوش خواهران و برادران ایرانی خود، فریاد رسای آزادی قدس را سر داده و بر همان بستر شهادتی که خون عزیزان ما بر آن ریخته شد، او نیز نثار خون و به رسم شهادت آرمید. و دوباره کوکب دریا، «فلسطین»، از شجره طیبه مبارکه لاشرقیه و لا غربیه ما را برافروخت و این تنها، یک نمونه از پیشرفت انقلاب است.»^{۴۳}

در حقیقت انتفاضه، با آموختن درس‌های تاریخی از ایران بهترین راه حل را طرح‌های پیشنهادی جمهوری اسلامی ایران می‌داند. چرا که این طرح‌های سازنده، راه حل اساسی نجات ملت فلسطین و تثبیت حقانیت آرمان اسلامی آن است. «این طرح‌ها از طرف مسئولان بالای نظام، در قالب تأسیس مجلس شورای اسلامی، تأسیس بانک

اسلامی و همچنین افتتاح حساب ویژه‌ای برای ملت فلسطین به اجرا در آمده است.»^{۴۴} و انشاءالله سخن اسعد التمیمی که گفت: زوال اسرائیل از نظر قرآن حتمی است و محقق خواهد شد.

۴- تأثیر انقلاب بر کشورهای جنوب شرقی آسیا

پیروزی انقلاب اسلامی و انعکاس رسانه‌ای آن در جنوب شرقی آسیا، عبارت است از: «تقویت احساس هویت مذهبی در میان مسلمانان و نیز تسریع روند تجدید حیات اسلام، آن هم در این نوع جوامع، که وجه بارز آن افزایش تقاضا برای مشارکت در مسایل جهانی امت اسلامی و نیز تلاش برای اسلامی کرد شئون مختلف جامعه بوده است.»^{۴۵} ولی دولت‌های این مناطق، سعی کرده‌اند که بر خوردی محتاطانه با انقلاب اسلامی داشته باشند. «و بنا به ملاحظات داخلی و خارجی (نا آرامی - همسویی با غرب) تلاش کرده‌اند که ضمن حفظ روابط رسمی سیاسی، از طرق مختلف، مانع گسترش و تعمیق مفاهیم انقلاب اسلامی در جامعه خویش شوند. هر چند در مقاطعی نیز ناگزیر از اصلاح و تعدیل مثنی خود، به نفع مسلمانان شده‌اند.»^{۴۶}

«مرام دولتی اندونزی، علی‌رغم اکثریت جمعیت مسلمان، ایدئولوژی سکولار است. و در بین مقامات دولتی، نوعی بدبینی نسبت به مسلمانان وجود دارد. از این روست که دولت از مدت‌ها قبل، به دنبال «سیاست زادیی از اسلام» بوده است و از تهدید دولت اسلامی نامی برد و بعضاً از آن به نام «اسلام ترسی» هم تعبیر می‌شود.»^۱

دولت مالزی نیز علی‌رغم اهمیتی که در کنار قومیت، برای اسلام، در حیات سیاسی کشور قایل می‌باشد، نگرانی خود را از بروز حرکت‌های اسلامی پنهان نکرده است و معمولاً رفت و آمد رهبران اسلام به ایران را زیر نظر دارد، و چندی پیش نیز فرقه اسلامی «الارقم» را به عنوان جریانی انحرافی معرفی کرده و از ادامه فعالیت‌هایش جلوگیری به عمل آورده است.»^۲

پیروزی انقلاب اسلامی ایران، بر تایلند نیز بی‌تأثیر نبوده و «راهپیمایی عظیم آنها در سال ۱۳۶۹/۱۹۹۰ برای برپایی مسجد تاریخی کروزه، نمونه‌ای از تلاش‌های مسلمانان برای ابراز هویت اسلامی خویش بوده است، دولت تایلند نیز، با توجه به حساسیت‌های داخلی، روابط متعادل و متعارفی را با ایران دنبال کرده است.»^۳

در حقیقت، تأثیرپذیری مسلمانان از تحولات فکری جهان اسلام در دهه‌های اخیر به ۱۱۵ مدد گسترش ارتباط، از سرعت و دامنه بیشتری برخوردار بوده است.

«به تعبیر یکی از تحلیل‌گران اندونزیایی، «مکتب قم» (امام خمینی - مطهری...)»
به تدریج جایگزین «مکتب فرانکفورت» شده و به عنوان منبعی جدید؛ تعریف جدیدی از آرمان‌های اجتماعی (آزادی...) مبتنی بر ارزش‌های اسلامی ارائه کرده است.^۴

انقلاب اسلامی ایران برای مسلمانان جنوب شرقی آسیا، پس از گذشت سال‌های اولیه - پیش از آنکه به عنوان الگویی اجتماعی و قابل تکرار مطرح باشد - به مثابه منبعی الهام بخش تلقی گردید و موجب تجدید توان حرکت انقلاب اسلامی در این جوامع شد. برخی از جلوه‌های اجتماعی این فرایند را، به ویژه در اندونزی و مالزی می‌توان چنین بر شمرد:

۱ - رفتار مذهبی: گرایش بیشتر زنان به حفظ حجاب، افزایش استقبال عمومی، به فرایض دینی؛ مثل برگزاری نماز جماعت... جلسات قراعت قرآن.

۲ - حساسیت‌های اسلامی: گرایش به استفاده از نام‌ها و عناوین اسلامی برای اشخاص و مؤسسات.

۳ - حمایت دینی: حمایت از فتوای امام (ره) در مورد سلمان رشدی، مخالفت با ورود و نمایش فیلم «فهرست شیندلر» به دلیل ارائه تصویری تحریف شده از مظلومیت یهودیان تاریخ در تاریخ ۱۹۹۴ (۱۳۷۳ ش).

۴ - مطالبات سیاسی: افزایش تقاضا برای اسلامی‌تر شدن قوانین و شئون جامعه و وادار نمودن دولت به واکنش‌ها مثبت و اقناعی.

۵ - مشارکت بین‌المللی: تقویت احساس تعلق به امت اسلامی و ابراز حساسیت نسبت به تحولات جهان اسلام.

۶ - مؤسسات مذهبی: افزایش تعداد مساجد، مدارس و بیمارستان‌های اسلامی.

۷ - تغییر گفتمان اسلامی: ترجمه و انتشار آثار امام خمینی و دیگر متفکران اسلامی؛ مثل شهید مطهری، شریعتی و...، مؤسسه‌ای نیز به نام شهید مطهری در شهر باندونگ اندونزی تأسیس شده است.^۵

تأثیر انقلاب بر جنبش‌های اسلامی و رهایی بخش در مناطق مختلف

۱- تأثیر بر جنبش‌های فلسطین

بحث از ویژگی‌های انقلاب اسلامی و ارتباط آن با نهضت‌های رهایی بخش، از آنجا ناشی می‌شود که ملت‌های جهان سوم و زیر سلطه استعمار، با مشاهده وقوع این انقلاب بسیار کنجکاو شدند که انقلاب اسلامی را بشناسند، و ویژگی معنویت محوری انقلاب اسلامی، مردم کشورهای جهان سوم را با این واقعیت مواجه ساخت، که می‌توان بدون کمک از ایدئولوژیهای وارداتی و غیر اصیل، در صدد ایجاد یک نظام مردمی برآمد. بنابراین خود باوری و یگانه ستیزی، بزرگ‌ترین تأثیر انقلاب اسلامی ر شکل‌گیری جنبش‌ها و یا فعال‌تر شدن نهضت‌هایی بود که از قبل وجود داشتند.

«این جنبشها به دو صورت از انقلاب اسلامی متأثر شدند: ۱- مستقیم ۲- غیر مستقیم.

منظور از تأثیر مستقیم این است که این گروه‌های اسلامی، در اثر ارتباط مستقیم با ایران و گاه نیز به تشویق و تأیید جمهوری اسلامی به وجود آمدند. اما تأثیر مستقیم، لزوماً به مفهوم وجود ارتباط مستقیم میان جنبش‌های اسلامی با جمهوری اسلامی نیست بلکه وقوع انقلاب اسلامی و اهمیت آن باعث شده است تا جنبش‌های جدیدی به طور مستقل به وجود آیند و در پی رسیدن به جامعه سیاسی اسلام باشند.»^{۴۷}

بنابراین، گروه‌هایی که تحت تأثیر مستقیم انقلاب اسلامی ایران رشد کردند؛ یا گروه‌هایی بودند که قبلاً وجود نداشتند و پس از انقلاب به وجود آمدند و فعالیت خود را آغاز کردند یا اینکه؛ این گروه‌ها سابقه دیرینه‌تری دارند، ولی فعالیتی نداشته‌اند و بعد از انقلاب اسلامی فعال‌تر می‌شوند و از نظر کمی و کیفی، به رشد قابل ملاحظه‌ای می‌رسند. گروه‌ها و جنبش‌هایی که به‌طور مستقیم تحت تأثیر قرار گرفتند در کشورهای لبنان - عراق فلسطین - تونس - شمال آفریقا و خلیج فارس و عربستان هستند و گروه‌هایی که تحت تأثیر غیر مستقیم انقلاب اسلامی قرار گرفتند؛ در کشورهای مصر و سوریه وجود دارند که سابقه این جنبش‌ها، به قبل از انقلاب اسلامی ایران می‌رسد؛ مانند جنبش اخوان المسلمین که در این کشورها، سابقه دهه‌های قبل را دارد. «تأثیر انقلاب اسلامی و توسل آنها به شیوه‌های قهر آمیز ۲- فعال شدن مجدد جنبش‌هایی که میانه رو بوده و در برابر دولت‌ها به شیوه‌های مسالمت جویانه رفتار

«انتفاضه به عنوان فرزند انقلاب اسلامی با اتخاذ خط مشی انقلابی و طرح شعار محوری «مبارزه همه جانبه» با رژیم اشغالگر قدس، آرمان فلسطین را در چارچوب ایدئولوژی اسلامی مطرح و از آن دفاع می‌کند».^{۴۹}

جهاد اسلامی به عنوان فرزند انقلاب اسلامی ایران، در فلسطین به رهبری «شیخ عبدالکریم عوده» و با همکاری شهید دکتر فتاحی شقاقی که تا سال ۱۹۸۸ در سپاه‌چال‌های اسرائیل زندانی بود، به عنوان رهبر شاخه نظامی جهاد، تأسیس شد و فتاحی شقاقی در سال ۱۹۷۹ با تألیف کتابی تحت عنوان «خمینی راه حل اسلامی و بدیل» نظرات سیاسی و ایدئولوژیکی خود و جهاد اسلامی را بیان نمود.^{۵۰}

«در زمان که ساف (سازمان آزاد بیخس فلسطین) دچار انشعابات متعدد شده بود - طوری که موتور محرکه قیام علیه موجودیت اسرائیل از کار افتاد و مقاومت اسلامی در ضعیف‌ترین حال خود بود - انقلاب اسلامی به رهبری امام، به پیروزی رسید. پیروزی انقلاب ایران، صحنه عمل نیروها و گروه‌های مبارز و قیام در برابر تهاجم صهیونیسم سیاسی را به نفع نیروهای اسلامی تغییر داد و یأس مفرطی که بر جهان عرب در زمینه مبارزه با اسرائیل مستولی شده بود، با ظهور انقلاب، تبدیل به امید و پایداری شد».^{۵۱}

گروه دیگری که در جریان قیام در سرزمین‌های اشغالی اعلام موجودیت کردند و در حال حاضر طرفداران زیادی نیز دارند، جنبش مقاومت اسلامی فلسطین (حرکه المقاومة الاسلامیه فی فلسطین) ملقب به «حماس» می‌باشد.

«حماس در اصل همان اخوان المسلمین فلسطین است که در جریان قیام به وجود آمد و در ژوئن ۱۹۸۸ نیز اعلام موجودیت کرد. حماس، گروه جدیدی همانند جهاد اسلامی نبود، بلکه رهبران آن قبلاً در اخوان المسلمین فلسطین در غزه به فعالیت مشغول بودند. حماس برخلاف جهاد اسلامی، عملیات مسلحانه چشمگیری علیه نیروهای اسرائیل انجام نداده است و رهبری آن نیز بر خلاف رهبران جهاد اسلامی، به انقلاب اسلامی ایران اشاره نکرده‌اند.

با این وصف، در اواسط نوامبر ۱۹۸۹، خبرگزاری فرانسه به نقل از روزنامه اسرائیل «هاآرتص»^۶ گزارش داد که حماس در صدد تماس با جمهوری اسلامی ایران

است. «هاآرتص» از گفته منابع نظامی اسرائیلی گزارش داد که حماس در صدد است، تا با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران تماس بگیرد. به نوشته «هاآرتص» حماسه امیدوار است که بتواند از ایران پول و اسلحه دریافت کند، و افراد خود را برای کسب آموزش نظامی به ایران بفرستد.

علی رغم این گزارش، نمی‌توان به صحت آن اعتماد کرد زیرا احتمال دارد ارتش اسرائیل، در صدد باشد با جعل این اخبار، بهانه‌ای برای سرکوب بیشتر گروه مذکور فراهم سازد.^{۵۲}

۲- تأثیر انقلاب بر جنبش‌های اسلامی و رهایی بخش لبنان

در لبنان به دلیل وجود شیعه، تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی بسیار زیاد بوده است. در میان گروه‌های اسلامی شیعه، جنبش امل، به رهبری امام موسی صدر و در حال حاضر نبیه بری، جنبش امل اسلامی به رهبری سید حسین موسوی... در میان گروه‌های اسلامی سنی «جنبش توحید اسلامی» به رهبری شیخ سعید شعبان، تحت تأثیر مستقیم انقلاب رشد کرده است.

موسوی، حزب الله را به ملت اسلامی، که امل تنها جزیی از آن است، منتسب می‌کند. چون ما (امل اسلامی)، برای اسلام کار می‌کنیم و پیوندهایی با انقلاب اسلامی داریم، بخشی از حزب الله هستیم. «موسوی اضافه می‌کند جمهوری اسلامی، مادر ماست، دین ما، ملکه ما، خون ما و شریان حیات ماست.»^{۵۳}

شیخ فضل الله، رهبر حزب الله و ایران در افکار «سراسر اسلامی» در خصوص لزوم محو حضور منطقه‌ای اسرائیل و طبیعت علم هم عقیده هستند.^{۵۴}

شکاف میان امل و انقلاب اسلامی، فرصت را برای گروهی از طرفداران امل، به رهبری سید حسن موسوی که چندی قبل از امل طرد شده بود، فراهم ساخت تا گروهی را تحت عنوان «امل اسلامی» به وجود آورند. «شکاف از آنجا ناشی شد که نبیه بری، رهبر امل معتقد بود که جنبش امل از نظر عقیدتی، خود را پیرو و مقلد امام میدانند، ولی از نظر سیاسی می‌خواهد مستقل عمل کند و با توجه به منافع شیعیان در لبنان حرکت نماید.»^{۵۵}

«امل اسلامی، متشکل از شیعیانی بود که به شدت از انقلاب و خط مشی جمهوری

اسلامی پیروی می‌کردند و خود را از نظر سیاسی و مذهبی طرفدار امام خمینی می‌دانستند با این وجود اهل اسلامی، تنها به صورت یک تشکل سیاسی در برابر اهل باقی ماند و پس از چندی به گروه حزب الله - که کمترین گروه شیعه طرفدار انقلاب اسلامی است - پیوست.^{۵۶}

تأثیر انقلاب اسلامی بر جنبش‌های اسلامی سنی نیز قابل بحث است. مهم‌ترین جنبش «جنبش توحید اسلامی» است که تحت رهبری شیخ سعید شعبان در طرابلس لبنان، از ائتلاف برخی گروه‌های کوچک‌تر سنی به وجود آمد. شیخ شعبان بعدها طی مصاحبه‌ای گفت «جنبش توحید را در سال ۱۹۸۲ در طرابلس تشکیل داد و در این رابطه از انقلاب اسلامی ایران و پیروزی مسلمانان آن منطقه الهام گرفته است.»^{۵۷}

فضل الله، نسبت به پذیرفتن صمیمانه نظریه جمهوری اسلامی در لبنان اشتیاق کمتری نسبت به اهل اسلامی با رهبری موسوی - دارد و در یک مصاحبه‌ای در سال ۱۹۸۵، امکان تأسیس یک حکومت مذهبی مثل ایران را مورد بررسی قرار می‌دهد وی می‌گوید: «رهبران ایران در فکر یک لبنان اسلامی، حداقل آن طور که رسانه‌ها می‌گویند، نیستند، تفاوت‌هایی وجود دارد... ما استعداد و شرایط ضروری برای یک حکومت اسلامی را نداریم.»^{۵۸}

«ایران برای نفوذ در لبنان، از ابزارهایی استفاده می‌کرد. از جمله کمک‌های مالی و نظامی به شیعیان و حمایت از فعالیت‌های مسلمانان محلی بود. گفته می‌شود که ایران ماهانه بین ۳ تا ۱۰ میلیون دلار، به جامعه مسلمانان لبنان در خلال سالهای ۱۹۸۲ - ۱۸۸۶ کمک کرده است: شاید نافذترین روش صدور انقلاب، تفسیر هماهنگ ایران بر توسعه سیاسی لبنان باشد.»^۷

۳- تأثیر انقلاب اسلامی بر جنبش‌های اسلامی در مصر

چنانکه در مبحث جنبش‌ها و قیام‌ها اشاره شده، در مصر، انقلاب اسلامی ایران تأثیری غیر مستقیم بر جنبش‌های اسلامی داشته است. این تأثیرگذاری هم باعث رادیکال شدن برخی جنبش‌ها شده و هم جنبش‌های میانه رو را به فعالیت بیشتر، برای رسیدن به اهداف خود تشویق نمودن است.

«اوج رادیکالیسم، ترور انور سادات در اکتبر ۱۹۸۱؛ توسط سازمان الجهاد تحت

رهبری عبد السلام فرج بود. به گفته عبودالزمر (رهبر برجسته الجهاد)، الجهاد سعی داشت به شیوه انقلاب ایران در جریان یک انقلاب اجتماعی و مردمی، مردم را در برابر ارتش مصر قرار دهد.

به گفته عبودالزمر: «تجزیه انقلاب اسلامی ایران، نشان داد که در آستانه انقلاب مردمی، برای نیروهای مسلح و پلیس، بسیار مشکل است تا با توده‌های مردم (الجماهیر الشعبیه) که خواستار اجرای شریعت خداوند هستند، به مبارزه برخیزند. بنابراین در نیروهای مسلح، شکاف ایجاد خواهد شد و بخش‌هایی از آن سلاح‌های خود، به انقلاب مردمی خواهند پیوست و... بدین طریق انقلاب قدرت خواهد یافت.»^{۵۹}

علاوه بر گروه الجهاد اسلامی، گروه رادیکال دیگری نیز شدیداً تحت تأثیر انقلاب قرار گرفته و آن جنبش «الیسار الاسلامی» (چپ اسلامی) است.

جنبش «الیسار الاسلامی» در نشریه خود «الیسار الاسلامی» از انقلاب ایران بارها به دفاع برخاسته و رهبر آنها، حسن حنفی مقدمه‌های مبسوطی بر ترجمه کتاب حکومت اسلامی امام خمینی به عربی نوشت.^{۶۰}

علاوه بر الیسار الاسلامی، جنبش اخوان المسلمین - دوران سادات - پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران انگیزه جدیدی برای فعالیت‌های خود پیدا کرد.

«المختار الاسلامی (از نشریات اخوان المسلمین) نیز، در اوایل پیروزی انقلاب، مصاحبه‌ای با امام خمینی منتشر ساخت.»^{۶۱}

«گرچه اخوان المسلمین، پس از ترور سادات توسط الجهاد با تعطیلی نشریات خود مواجه شد. ولی در طول سال‌های جنگ ایران و عراق، تحت فشار فزاینده جناح‌های سنت و نیز رژیم مبارک و بطور کلی اعراب طرفدار عراق، از اظهار نظر درباره مسایل ایران خود داری کرد. ولی در سال ۱۹۸۵، رهبر آن (عمر تلمسانی) طی مصاحبه خود با هادی خسرو شاهی سفیر سابق ایران در واتیکان، عراق را مقصر اعلام کرده و آغاز گر جنگ دانست و ضمن حمایت از ایران خواستار سفر به جمهوری اسلامی ایران شد.»^{۶۲}

علاو بر این، تأثیر انقلاب اسلامی بر حرکت مردمی مسلمانان در مصر آشکار بوده است تأثیر انقلاب بر گروه‌های مصری، باعث شد که «حسنی مبارک و زکی بدر (وزیر سابق کشور) بارها ایران را در دست داشتن نا آرامی‌های مصر و حمایت از گروه‌های تندرو و اسلامی متهم کنند.»^{۶۳}

نتیجه‌گیری

گفتیم که با پیروزی انقلاب، اسلام بار دیگر، جایگاه خود را بازیافت و ماهیت عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی آن و تبیین حکومت اسلامی مبتنی بر دو اصل آزادی و استقلال، باعث جذب مردم شد.

ظهور انقلاب، فضای جدیدی را ایجاد کرد که گسترش آن تحولات و تغییراتی را به همراه داشت. انقلاب، گذشته از تغییراتی که در محدوده ایران به وجود آورد، پیامدهای عظیم بین‌المللی نیز، در عرصه‌های گوناگون ایجاد کرد و تعادل استراتژیکی منطقه را بر هم زد و بر روی معادلات منطقه هم اثر شگرفی بر جای گذاشت و کمپانی‌های آمریکایی و کشورهای اروپایی، با پیروزی انقلاب و از دست دادن بازار بزرگ، ایران را تهدیدی عمده برای منافع اساسی غرب در منطقه به حساب آوردند.

از طرفی؛ پدیده اسلام‌گرایی نیز، رشد فزاینده‌ای یافت و این خود ارمغانی برای کشورهای اسلامی در بند و زنگ خطری برای استعمارگران بود. جنبش‌های اسلامی و رهایی بخش نیز بر حول محور تعالیم اسلام جهت‌گیری تازه‌ای یافتند و این جهت‌گیری مبتنی بر پایان دادن رفتارهای ذلت بار جهان اسلام در قبال غرب، و بیداری دولت‌های دست‌نشانده استکبار بود.

از نظر کمی، شمار جنبش‌های اسلامی افزایش یافت و از خاور دور؛ تا کرانه‌های اقیانوس اطلس و مغرب اسلامی را در بر گرفت. حرکت‌های ملی، مارکسیستی و التقاطی رنگ باختند و تحركات اسلامی نضج یافتند. افغانستان نمونه بارزی از جایگزینی قیام اسلامی به جای حرکت‌های مارکسیستی، و لبنان و فلسطین نیز؛ نمونه جانشینی اسلام انقلابی به جای حرکت‌های قومی و التقاطی شد. با این تفاسیر، حال اگر بخواهیم گوشه‌ای از تأثیرات انقلاب اسلامی را بیان نماییم، می‌توانیم به موارد زیر اشاره کنیم:

الف) تأثیر بر کشورهای خارجی

۱- حیات مجدد اسلام بر عرصه جهانی و گرایش روز افزون مردمی، برای تشرف

به دین اسلام.

۲- رسیدن به خود باوری و بازگشت به خویشتن اسلامی.

۳- زنده کردن احساسات آزادی خواهانه و استقلال طلبانه در مستضعفان و

- ۴- گرایش به مذهب و فروپاشی افکار و اندیشه‌های بلوک شرق.
- ۵- تلاش اندیشمندان غربی برای شناخت بیشتر احکام و مسایل اسلامی.
- ۶- گرایش زنان مسلمان به حجاب مقبول و پوشش صحیح.
- ۷- احیای حج ابراهیمی.
- ۸- ایجاد وحدت بین فرق اسلامی.
- ۹- حفظ اتحاد و انسجام لازم و پیروی از فرامین رهبری واحد.

ب) تأثیر بر جنبش‌های اسلامی و نهضت‌های بخش.

- ۱- ظهور جنبش‌های اسلامی یا به اصطلاح؛ بنیادگرایی اسلامی.
 - ۲- تقویت روحیه جنبش‌های آزادی‌بخش در تشدید حرکت‌های اصولی خود.
 - ۳- بیدار شدن وجدان خفته مسلمانان و انقلابیون و نیز تقویت امید و ایمان اسلامی آنها، در فرایند مبارزه.
 - ۴- تأثیری از روش‌ها، ابزارها و برنامه‌های انقلاب اسلامی و الگو قرار دادن انقلاب ایران در مبارزات ضد استکباری خود.
 - ۵- پرهیز از التقاط‌گرایی و تأکید بر اسلام اصیل در مبارزات خویش.
 - ۶- گسترش ارتباط با ایران بعد از پیروزی انقلاب و لمس واقعیت‌های جامعه ایران از نزدیک.
 - ۷- عدم رضایت از موفقیت‌های کوچک و کوتاه مدت و برنامه ریزی جهت برداشتن گام‌های مؤثر در رسیدن به موفقیت‌های کلان با توجه به شرایط محیطی.
- بدین ترتیب یکی دیگر از آرمان‌های بلند حضرت امام (ره)، جامه عمل پوشید و این سخن ایشان که فرموده بودند «باید این نهضت مستضعف در مقابل مستکبر، در تمام عالم گسترده شود، عینیت یافت. و همه دریافتند که، جلوهٔ اسلام تا کاخ کرملین و کاخ سفید هم کشیده شده است.»^۸

پی‌نوشت‌ها:

۱. گفت‌وگوی نگارنده مقاله با محمد دین شمس الدین استاد دانشگاه و از روشنفکران اندونزیایی. همان.
۲. همان.
۳. همان.
۴. همان.
۵. همان.
6. " Hamas Cherchea Entre en contact avec l'Iran. AF p 20 Now 1989.
۷. مطالب فوق، بخشی از یک مقاله است که در شماره ۴ بولتن دیدگاهها و تحلیل‌ها... تحت عنوان درگیری ایران در لبنان، دو سویی و تندروی جنبش‌های نظامی اسلامی؛ توسط هاله وزیری به رشته تحریر در آمده است.
۸. صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۲۴۰.

منابع

۷. محمدی، منوچهر، *تحلیلی بر انقلاب اسلامی*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۵، ص ۲۷.
۸. همان، ص ۲۰.
۹. مطهری، مرتضی، *پیرامون انقلاب اسلامی*، تهران، صدرا، ۱۳۶۲، ص ۵۶.
۱۰. محمدی، منوچهر، *اصول سیاست خارجی*، ایران، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۶، ص ۱۸.
۱۱. عمید زنجانی، عباسعلی، *انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن*، تهران، کتاب سیاسی، ۱۳۶۷، ص ۲۴.
۱۲. ابوالحسن شیرازی، حبیب‌الله، *انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن*، تهران، غیاث، ۱۳۷۲، ص ۵.
۱۳. صحیفه نور، ج ۷، ص ۷۲، پیام امام در جواب پیام وزیر امور خارجه ترکیه ۵۸/۳/۲۱.
۱۴. همان، ج ۲، ص ۱۷۸، مصاحبه امام با بولتن خبری خاورمیانه... ۵۷/۸/۲۶ (پاریس).
۱۵. همان، ج ۶، ص ۴۰، بیانات امام در جمع فرهنگیان رفسنجان ۵۸/۱/۲۹.
۱۶. همان، ج ۱۲، ص ۱۰۸، پیام امام به مهاجرین جنگ... ۶۸/۱/۲.
۱۷. همان، ج ۲۰، ص ۲۳۲، پیام امام به مناسبت سالگرد کشتار مکه ۶۷/۴/۲۹.
۱۸. روزنامه سلام، س ۸، ش ۲۲۴۴، ۱۳۷۷/۱۲/۵، ص ۲.
۱۹. تزو، سون، *هنر جنگ*، ترجمه حسن حبیبی، تهران، قلم، چاپ دوم، ۱۳۶۴، صص ۵۰ و ۴۵.
۲۰. حمید مولانا، *نظم نوین جهانی و فرهنگ*، کیهان فرهنگی، ش ۸۷، ص ۲۲ (مقاله).
۲۱. صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۲۴۲، بیانات امام در جمع مدیران و کارکنان صدا و سیما ۶۲/۱۲/۹.
۲۲. همان، ج ۱۲، ص ۲۶۳، بیانات امام در جمع سفرا و کارداران جمهوری اسلامی ۵۹/۱۰/۱۶.
۲۳. همان، ۱۹، ص ۲۴۲، بیانات امام در جمع سفرا و کارداران کشورهای آفریقایی ۶۴/۸/۱۱.
۲۴. صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۴۵، پیام امام به مسلمانان جهان به مناسبت عید قربان ۶۳/۶/۷.
۲۵. نشریه داخلی، دفتر مطالعات نگشی بر تحولات سیاسی، ش ۵۵، ص ۲۶.
۲۶. همان، صص ۲۶-۲۵.
۲۷. بولتن دیدگاهها و تحلیلها، دفتر مطالعات، ش ۳۰، ص ۶۹، ستیز با آنچه بنیادگرایی می‌نامند، محسن داوودی (مقاله).
۲۸. پیام انقلاب، ۱۳۷۲/۱۱/۱۵، ص ۳۸.
۲۹. همان.

۳۰. پیام انقلاب، ۱۳۷۲/۱۱/۱۵، ص ۳۹.
۳۱. همان.
۳۲. همان، ۱۳۷۲/۲/۱۵، ص ۲۶.
۳۳. دیدگاهها و تحلیلهای، ش ۱۲۰ ص ۴۲.
۳۴. پیام انقلاب، ۱۳۷۲/۱۱/۱۵، ص ۳۹.
۳۵. دیدگاههای و تحلیلهای، ش ۱۲۰، ص ۴۰.
۳۶. کدیور، جمیله، رویارویی: انقلاب اسلامی ایران و آمریکا، تهران اطلاعات، ۱۳۷۳، ص ۱۱۰.
۳۷. اسلام طغیانگر در خلیج فارس، جیمز بیل نشریه خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۲۸ آبان ۱۳۶۲، ص ۴.
۳۸. دیدگاههای و تحلیلهای، دفتر مطالعات، ش ۱۲۱، ص ۱۲، ص ۴۸.
۳۹. همان، ص ۵۸.
۴۰. اسناد لانه جاسوسی، ج ۵، افغانستان - آغان بحران. سند شماره ۲۳، ص ۲۱.
۴۱. فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز سال ۵، (د ۲، ش ۱۳ بهار ۱۳۷۵، ص ۲۸۴).
۴۲. همان، سخنان حکمتبار رهبر حزب اسلامی افغانستان در تاریخ ۱۳۷۴/۱۱/۱ به مناسبت حمله موشکی به کابل.
۴۳. همان، ص ۳۲۴.
۴۴. انقلاب ایران و مقاومت افغانستان در مقاومت، تشیع و انقلاب، تهران، پیشگام ۱۳۶۸، ص ۳۵۳.
۴۵. انقلاب ایران و مقاومت افغانستان در مقاومت، تشیع و انقلاب تهران، پیشگام ۱۳۶۸، ص ۳۵۳.
۴۶. هفته نامه بعثت، ش ۲۳، ص ۵.
۴۷. مسأله فلسطین و ماهیت طرح صهیونیسم، راشد الغنوشی، ترجمه، هادی خسرو شاهی، تهران دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۱۳۷۰، ص ۱۱۶.
۴۸. هفته نامه بعثت، ش ۲۳، ص ۵. علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
۴۹. صحیفه نور، ج ۲، صص ۲۲۳ - ۲۲۴.
۵۰. هفته نامه بعثت، ش ۲۳، ص ۵.
۵۱. اسماعیل نیا، محمود. مسلمانان جنوب شرقی آسیا و انقلاب اسلامی ایران (مقاله). اطلاعات ۱۳۷۷/۴/۱۴
۵۲. همان
۵۳. قادری، حاتم. انقلاب اسلامی ایران و جنبشهای اسلامی در خاورمیانه، دانشکده عقیدتی سیاسی سپاه ۱۳۷۴، صص ۱۱۹ - ۱۱۸.
۵۴. همان، ص ۱۴۳.
۵۵. هفته نامه بعثت، ش ۲۳، ۱۹ - ۷۵/۷/۱۶، ص ۵.
۵۶. ابو عمرو، زیاد، جنبشهای اسلامی در فلسطین. ترجمه هادی صبا تهران، ۱۳۷۱، ص ۸۷.
۵۷. هفته نامه بعثت، ش ۲۳، ص ۵.
۵۸. قادری - حاتم، همان صص ۱۴۳ - ۱۴۱.
۵۹. کدیور، جمیله، رویارویی (همان)، ص ۱۱۶.
۶۰. دیدگاهها، ش ۷۴، ص ۱۲۳.

۶۱. کیهان. ۱۳۶۴/۶/۴ متن ترجمه مصاحبه نبیه بری، ص ۲۰.
 ۶۲. کدیور، جمیله، رویارویی انقلاب اسلامی (همان)، ص ۱۲۱.
 ۶۳. کیهان. ۱۳۶۲/۱۰/۴. متن ترجمه شیخ سعید شعبان، ص ۱۶.

۶۴. George Nader: "Interview with sheikh muhammed Hussein fadiauan" middle East Insight, Vol. u. no 2 (Juney jucy 1985), p 17.

۶۵. قادری، حاتم انقلاب اسلامی (همان) ص ۱۴۵ - ۱۳۳.

۶۶. قادری، حاتم، همان، ص ۱۴۵.

۶۷. همان. ص ۱۴۶ به نقل از «سؤال و جواب مع الامام الخمينی»، المختار الاسلامی، ژوئیه ۱۹۷۹. صص ۶۱ - ۵۸.

۶۸. همان، ص ۱۴۶.

۶۹. همان، ص ۱۴۷.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی